

درباره معبر امیرالمؤمنین۸ که در قدیم راهی بوده بین کوچه قراولخانه تا محوطه سبزه میدان کهنه

حاج رجب؛از وقف تکیه تا نام یک کوچه



نمایی از گود ناجا در کوچه حاج رجب



تکیه قاجاری حاج رجب که همچنان زنده و پابرجاست



نمایی از کوچه حاج رجب از ابتدای پولوار امیرالمومنین^۹

رضا سلیمان نوری ا حدود ۱۳۰سال از زمانی که حاج رجب بهادر، ثروتمند معتمد دربار قاجار، بخش زیادی از زمین هایش در پایین خیابان مشهد را وقف امام حسین^{علی} کرد، می‌گذرد اما به‌گواه اسناد همین وقف، عمر کوچه‌ای که به نام وی شناخته می‌شود، به سال‌های ابتدای دوره قاجار و نزدیک دوپست سال قبل بازمی‌گردد. این کوچه در نقشه موسوم به دالمج هم که سال ۱۲۴۸خورشیدی ـ یعنی ۱۵۴سال پیش ترسیم شده‌است،قابلیت شناسایی دارد. دراین نقشه، کوچه حاج رجب مسیری جنوبی شمالی است که از کوچه قراولخانه منشعب شده است و تا محوطه سبزه میدان کهنه مشهد ادامه دارد.

- نام‌های کوچه درگذر زمان

کوچه حاج رجب که اکنون تابلوی «امیرالمؤمنین ۸» بر دیوار آن نصب است، از زمان ایجاد تাকون نام‌های بسیاری را به خود دیده است. برخی از این اسامی به مرور زمان از بین رفته است واثری از آن‌ها نیست وبرخی به دلیل ثبت در ذهن مردم یادار اسناد و نقشه‌ها هنوز ردپایی از آن‌ها باقی است. صرف نظر از خود نام کوچه حاج رجب که قدیمی‌ترین نام شناخته شده این مسیر است و هنوز هم محلی‌ها و قدیمی‌های شهر، کوچه را به آن می‌شناسند، بخشی از این کوچه به‌گواه نقشه‌های موجود در اواسط دههٔ ۳۰ خورشیدی، به نام کوچه «کاتب» شناخته می‌شده است.

همچنین در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بر قسمتی از کوچه، نام «ایمان» نهاده شد و بخشی دیگر از آن نیز به نام شهید حسن علیزاده مزین شد و در سال‌های بعدی نیز با نام شهید وطن‌خواه شناخته می‌شد. اکنون هم کوچه باتوجه به تغییرات رخ داده در ساختار آن با چند نام مختلف شناسایی می‌شود.

- حاج رجب تاپایان دوران قاجار

کوچه حاج رجب در نقشه مورد اشاره در دو نقطه، یکی مقابل تکیه حاج رجب و دیگری اندکی پس از آن، دچار شکستگی و تغییر مسیر می‌شود. تغییر مسیر اول که کوتاه‌تر است، شرقی غربی است اما تغییر مسیر دوم، غربی شرقی است. کوچه حاج رجب در دوران



تصویری از خانه دلآسایی

قاجار، دارای هفت فرعی شرقی و پنج فرعی غربی بوده است که فرعی‌های پنجم و هفتم شرقی به‌کوچه حوض خرابه‌پیوند می‌خورده و فرعی‌های سوم و چهارم غربی هم به‌کوچه «قبرمیر» راه داشته‌اند. سایر فرعی‌های آن دوران کوچه نیز بن بست بوده است. مهم‌ترین بنای کوچه در آن دوران، تکیه وقفی حاج رجب بوده است که بر اساس وصیتش پس از فوت او، ورثه‌اش در محل سابق کاروان‌سرای ملکی حاج رجب ایجاد کرده بودند و بر این اساس، این تکیه که هنوز هم به حیات خود ادامه می‌دهد، قدمتی بیش از ۱۵۰سال دارد. به‌گواه اسناد، وضعیت کوچه حاج رجب در سال‌های پایانی حکومت قاجارها بر ایران و ابتدای سده ۱۴ خورشیدی، به جز در بخش پایانی تغییر محسوسی نسبت به دوره احداث تکیه حاج رجب نکرده است؛ تبدیل‌بخش چشمگیری از فضای محوطه سبزه میدان کهنه به منازل مسکونی در این دوره تقریباً پنجاه ساله، باعث شده بود در ابتدای سده ۱۴ خورشیدی، کوچه حاج رجب به‌کوچه‌ای موسوم به کریم‌خان که در میانه فضای سبز سابق ایجاد شده بود، ختم شود. ناگفته نماند که با گذشت مدتی از ساخت تکیه حاج رجب و به دلیل قرار گرفتن این بنا در ابتدای فرعی پنجم شرقی، این فرعی که به‌کوچه حوض خرابه ختم می‌شد، مانند راسته کوچه اصلی در نزد مردم به‌کوچه حاج رجب معروف شده بود. به عبارت بهتر در سال‌های پایانی سده ۱۳ خورشیدی، دو کوچه حاج رجب عمود بر هم در محدوده پایین خیابان قابل شناسایی بوده است.

- کوچه «حاج رجب» در دوران پهلوی‌ها

تغییرات کالبدی کوچه حاج رجب در نیمه نخست سده ۱۴ خورشیدی، یعنی دوران پهلوی‌ها، مشابه همه کوچه‌های قدیمی درامان مانده از خرابی سال‌های ابتدایی و انتهای این دوره شهر بود. مهم‌ترین تغییرات سه دهه نخست این دوران، ایجاد فرعی‌های بن بست جدید در این کوچه بوده که آن هم، به دلیل تقسیم پلاک‌های بزرگ موجود در کوچه رخ داده است؛ پلاک‌هایی که بیشتر به صورت خانه باغ بودند اما بعد به پلاک‌های کوچک‌تر مسکونی تبدیل شدند. بر این اساس، هنگام ترسیم نقشه سال ۱۳۳۳ خورشیدی مشهد، در حالی تعداد فرعی‌های شرقی به یازده کوچه و شمار فرعی‌های غربی به نُه کوچه افزایش پیدا کرده بود که تمام فرعی‌های جدید

بن بست بودند.

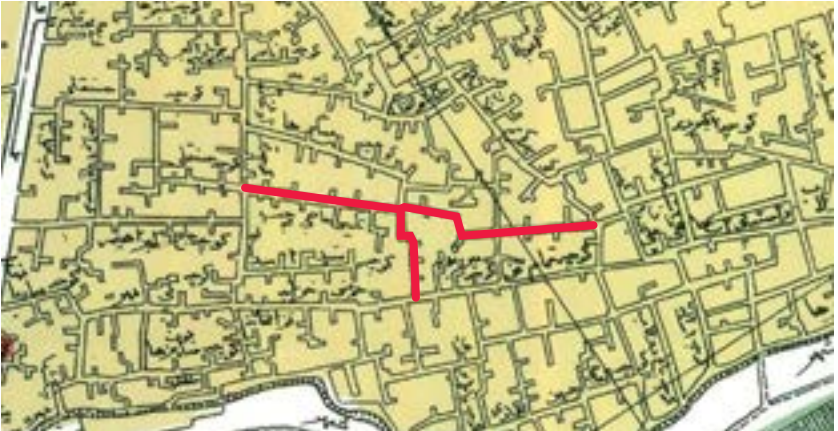
البته دلایلی چون افزایش رفت و آمد زائران در کوچه بر اثر تخریب بناهای اقامتی مناطق نزدیک‌تر به حرم مطهر- در جریان اجرای طرح ساخت فلکه‌های شمالی و جنوبی و خیابان‌های طبرسی و تهران- و همچنین توسعه نیافتگی این بخش از شهر نسبت به مناطق جدید آن که هر دو عامل ریشه حکومتی داشتند، در فروش پلاک‌های بزرگ کوچه ازسوی ساکنان قدیمی به متقاضیان جدید نیز دخیل بوده است.

این روند با اجرای دومین طرح نوسازی اطراف حرم مطهر در دهه ۵۰ خورشیدی، توسط عبدالعظیم ولیان، شیب بیشتری پیدا کرد، به طوری که در پایان این دوره، کمتریلاکی در کوچه وجود داشت که ساکنان آن، بیش از دو دهه در کوچه زندگی کرده باشند. تعداد پلاک‌های با مساحت بیشتر از ناصد متر کوچه هم به کمتر از انگشتان دو دست رسید.

- کوچه «حاج رجب» پس از انقلاب

وضعیت کوچه حاج رجب در سال‌های نخست پس از انقلاب اسلامی تفاوت چندانی با سال‌های پیش از آن نکرد. اما با شروع سومین طرح نوسازی اطراف حرم مطهر رضوی، به تدریج این کوچه شکل دیگری به خود گرفت. در نخستین مرحله از اجرای طرح جدید و ایجاد پولوار امیرالمؤمنین^{علی} در این محدوده، ضمن قرارگرفتن بخشی از کوچه در خیابان و در نتیجه تخریب بناهای آن محدوده، بخش شمالی کوچه از بقیه آن جدا شد. این بخش پس از افتتاح پولوار جدید با نصب تابلوی امیرالمؤمنین ۵ و سپس اضافه شدن نام «شهید حسن سبزیان» در کنارش، سرنوشتی مستقل پیدا کرد.

در ادامه، بخش شرقی کوچه، دومین قسمتی بود که در جریان اجرای سومین طرح اطراف حرم رضوی، موجودیت خود را تقریباً به‌طور کامل از دست داد؛ اکنون از این بخش، تنها یک کوچه و یک پلاک باقی‌مانده است و بقیه گرفتار دو حصار فلزی بزرگ شده‌اند؛ حصار فلزی بزرگ‌تر این بخش کوچه، اختصاص به گودی یا ۲۷متر عمق، موسوم به گود ناجا دارد که در دل خود، شش فرعی و صدها خانه سابق کوچه را بلعیده است. حصار فلزی کوچک‌تر هم گودی است که سوی دیگر آن به ابتدای غربی کوچه امیرالمؤمنین ۸ یا همان سالاری مقدم ختم می‌شود و در گذشته به جای آن یک فرعی و حدود ۲۰ خانه قرار داشته است.



موقعیت کوچه حاج رجب بر روی نقشه سال ۱۳۳۲ مشهد

تأسیس مدرسه هوایی در ایران

بست‌های هوایی با کمپانی یونکرس که هواپیماها به این کمپانی سفارش داده‌شده بوده، صحبت‌کنند. در نامه گفته‌شده مقرر شده است برای تجدید این قرارداد چند شرط به آن اضافه شود. در نخستین شرط آمده است که کمپانی یونکرس باید سالیانه به خرج خود چند محصل ایرانی در آلمان، قبول و تربیت کند. شرط دومی که قرار است به قرارداد کمپانی یونکرس افزوده شود، درباره تأسیس مدرسه هواپیمایی است. در این بند آمده است: «در باب تأسیس مدرسه هواپیمایی، ترتیباتی را قائل شود که فقط مخارج لازمه را دولت پرداخته و طیاره‌های مشق و سایر لوازم را کمپانی تعهد نماید. آن هم فقط در امور تکنیکی مدرسه نظارت داشته [باشد] و امور اداری را دورانی که از طرف دولت معلوم خواهند شد، عهده نماید». این نامه در تاریخ ۲۳ فروردین سال ۱۳۱۰ امضا شده است. مرداد سال بعد، مدارسی خارج از تهران ساخته شد که برای آموزش خلبانی و تعمیر هواپیما کاربرد داشت. خلبانی سوئدی با نام «اریک اکمن» در این مدرسه مربی شد تا فنون خلبانی را به شاگردان خود بیاموزد.



نمایی از کوچه حاج رجب از ابتدای پولوار امیرالمومنین^۹

وضعیت سوی شرقی کوچه حاج رجب اما کمی بهتر است. در این سو هنوز نزدیک به شش کوچه فرعی و حدود سی پلاک مسکونی دیده می‌شود. برخی از این مسکونی‌ها، کامل با زسازی شده‌اند و برخی هنوز همان حال و هوای گذشته را دارند و در قسمت‌هایی هم نمای قدیمی با نندودی از سیمان پوشانده شده است تا شکلی امروزی‌تر به خود بگیرند. اما کاشی‌های قدیمی سردر این بناها از گذشته پررنگ‌تر از آن‌ها خبر می‌دهد. قدیمی‌ترین این پلاک‌ها که کاشی زیبایی را در سردر خود جای داده است،

در انتهای آخرین فرعی کوچه، یعنی دادخواه ۱/۲ قرار دارد. بنای تکیه حاج رجب هم با وجود گذشت بیش از ۱۵۰سال از عمر آن و تعمیرات چندین و چندباره، هنوز پابرجاست و شب‌های جمعه، میزبان میهمانان خود است.

- چهره‌های شاخص کوچه

کوچه حاج رجب در طول عمر خود ساکنان بسیاری را به خود دیده است. برخی از این ساکنان مانند خود حاج رجب، تأثیر مثبتی بر زندگی مردم شهر یا محله خویش گذاشته‌اند و به همین دلیل، نام آنان در دل مردم این محله جای گرفته است. حاج اصغر تحقیقی، از پیرغلامان هیئت‌های مذهبی مشهد، یکی از این افراد است که سال‌های کودکی را در کوچه حاج رجب گذراند. شهید حسین خوشکار، از شهدای قیام گهرشاد در سال ۱۳۱۴ خورشیدی و همچنین شهیدان هشت سال دفاع مقدس، حسن علیزاده، وطن‌خواه و حسن سبزیان، نیز دوران کودکی اجوانی را در این کوچه سپری کردند. در این میان باید از خانواده فرزین که به «گادوارها» معروف بودند، به عنوان دیگر ساکنان شناخته شده کوچه حاج رجب یاد کرد.

سید حسین غفاریان علوفی، مشهور به سید ترکمن که به تازگی درگذشته است، غلام حسین ابراهیم‌آبادی قالی باقی که کلیدداری حسینیّه حاج رجب را برعهده دارد و خانواده‌های شایسته، تشکری، ابراهیمی، برومند و طوسی نیز از دیگر ساکنان قدیمی حاج رجب هستند. شاخص‌ترین خانواده ساکن کوچه فرعی حاج رجب هم خانواده مروی بودند که اکنون یکی از فرزندان‌شان به عنوان تولیت آستان قدس رضوی، مشغول خدمت به زائران و مجاوران حضرت ثامن الحجج^{علی} است.



اندای کوچه حاج رجب از سمت معبر سالاری مقدم

نگاهی به دلایل قطع رابطه سیاسی ایران و آمریکا در سال ۱۳۵۸ خورشیدی

پایان یک رابطه نامبارک



۲۰فروردین در تقویم‌ها، سالروز قطع روابط سیاسی ایران و آمریکا در سال ۱۳۵۹ است. مقابله با سلطه آمریکا در ایران، یکی از شعارها و اهداف انقلاب اسلامی بوده است و این روند با اشغال سفارت آمریکا در ۱۲ آبان ۱۳۵۸ یکی از فرازهای مهم و سرنوشت‌ساز خود را پشت سرگذازد، اما قطع روابط دو کشور اقدامی بود که دولت آمریکا انجام داد؛ زیرا دولت ایالات متحده در مذاکره برای آزادی اعضای دستگیرشده سفارت خود در تهران ناکام مانده و اقدام نظامی برای حل بحران را در دستورکار قرار داده بود. بنابراین در ۱۹ فروردین ۵۹ قطع روابط سیاسی خود با جمهوری اسلامی ایران را رسماً اعلام کرد تا زمینه برای عملیات نظامی در خاک ایران مهیا شود. این حمله و عملیات، کمتر از دو هفته بعد در ۱۵ اردیبهشت رقم خورد و با طوفانی که در صحرای طیس رخ داد، به سختی شکست خورد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸، آمریکا در ابتدا چون برای منافع اقتصادی خود محتاج ایران بود، پس از چند ماه تلاش کرد دوباره روابط خود با کشورمان را بهبود ببخشد. از این‌رو در شهریور ۱۳۵۸ با تقاضای دولت موقت برای برخی خریدهای نظامی از آمریکا موافقت کرد. سپس یک محموله از تسلیحات خریداری شده در زمان شاه را به ایران تحویل داد و صادرات فوق‌العاده نفت سفید و کروزن به ایران را تصویب کرد.

با این حال خطای بزرگی که همین زمان از دولت آمریکا سر زد، روابط دو کشور را در یک بحران عمیق و مه‌اناشدنی فروبرد. این خطا چیزی نبود مگر پذیرش شاه مخلوع ایران در خاک آمریکا. پیش از شرح این واقعه، توضیح این نکته لازم می‌نماید که آمریکا پس از خروج شاه از کشور در دی ۱۳۵۷، آماده پذیرش وی در خاک خود بود؛ زیرا از نظر آن‌ها محمدرضا پهلوی هنوز سرنگون نشده بود و یک مقام رسمی به‌شمار می‌آمد. اما او برای اینکه چندان از ایران دور نباشد و بتواند در صورت لزوم بی‌درنگ به کشور بازگردد، به مصر و سپس مراکش رفت. اندکی بعد انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و آمریکا دریافت که ورود شاه به خاک آمریکا، نوعی مقابله علنی با انقلاب ایران به حساب می‌آید، بنابراین به او اعلام کرد که ورودش به خاک آمریکا صلاح نیست، اما از مهر ۱۳۵۸ حال شاه رو به وخامت گذاشت و او دوباره درخواست ورود به آمریکا را مطرح کرد.

کاخ سفید در این باره از سفارت خود در تهران نظر خواست و کاردار آمریکا در تهران به صراحت با پذیرش شاه مخالفت کرد. کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا، نیز همین نظر را داشت. اما افراد متنفذی چون کسینجر، وزیر خارجه وقت آمریکا، و دیوید راکفلر، سرمایه‌دار بزرگ که هر دو از دوستان شاه به‌شمار می‌رفتند، کاخ سفید را برای پذیرش شاه تحت فشار گذارده بودند. برژنسکی، مشاور وقت امنیت ملی آمریکا، نیز با آنان هم عقیده و معتقد بود که نپذیرفتن شاه، موجب تردید متحدان منطقه‌ای ایالات متحده در جلب حمایت این کشور در مواقع بحرانی می‌شود و عواقب وخیمی را به نفع سیاست اتحاد جماهیر شوروی در پی دارد.

سرانجام نظر گروه دوم پذیرفته شد و در ۳۰ مهر ۵۸ محمدرضا پهلوی، وارد نیویورک شد. بلافاصله ایرانیان مقیم آمریکا در مقابل بیمارستانی که شاه در آن بستری شده بود، دست به اعتراض زدند و در سراسر ایران نیز راهپیمایی‌های ضدآمریکایی برگزار شد. در همین حال، گروهی از دانشجویان دانشگاه‌های تهران که به شدت با سیاست‌های آمریکا در مقابل ایران مخالف بودند و شاید از چند هفته پیش‌تر فکر تسخیر سفارت آمریکا را در سر می‌پیرواندد، تصمیم به تصرف سفارت و دستگیری اعضای آن گرفتند. به‌هرروی، با تسخیر سفارت آمریکا، دولت موقت نیز سقوط کرد و این واقعه علاوه بر اثرات مهمی که بر سیاست داخلی ایران گذاشت، جناح طرفدار حفظ رابطه با آمریکا در حاکمیت نوپای جمهوری اسلامی را بیش از پیش تضعیف کرد. با استعفای دولت موقت، و ظایف این دولت برعهده شورای موقت انقلاب قرار گرفت و چون در آنجا نیز افراد و جناح‌های مختلفی با گرایش‌های گوناگون حضور داشتند، تصمیم‌گیری درباره آزادی گروگان‌ها به یک فرایند پیچیده تبدیل شد. در ادامه، دولت آمریکا فشارهای زیاد و شدیدی را بر حاکمیت انقلابی ما وارد آورد و از تمام ابزارهای ممکن بهره جست تا بتواند اعضای دستگیرشده سفارت خود در ایران را به آمریکا بازگرداند، اما با ایستادگی دانشجویان پیرو خط امام و حمایت‌های امام خمینی، این اقدامات ناکام ماند و سرانجام آمریکا را بر آن داشت که گزینه عملیات نظامی برای آزادی گروگان‌ها را در دستورکار قرار دهد. ۱۳۵۹ کاخ سفید به اجرا درآورد. این اقدام به‌نوعی اعلام شکست دیپلماسی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی بود و درعین حال سودی برای دولت آمریکا نداشت. تقاضاهای مکرر آمریکایی‌ها برای ازسرگیری روابط یا دست‌کم مذاکرات دو کشور در چند دهه گذشته، مؤید این مد‌عاست.

منبع: مقاله رضا حسینی در مجله یاد ایام. چاپ‌شده در سال ۱۳۸۹

